

عنوان مقاله:

مساله محوری در اندیشه و شخصیت فردوسی بر پایه نظریه آبراهام مزلو

محل انتشار:

فصلنامه رخسار زبان، دوره 4، شماره 13 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

جیهاد شکری رشید - دانشیار دانشگاه صلاح الدین، اربیل، عراق

خلاصه مقاله:

یکی از معیارهای نظریه آبراهام مزلو، مساله محوری است که در میان چهره های برجسته ادبی، فردوسی شخصیتی مساله مدار به شمار می رود. بنا به باور مزلو خودشکوفایان مسئله مدار هستند تا خودمدار و در کل توجه زیادی به خودشان ندارند و احساس می کنند که ه در زندگی خود ماموریتی دارند. چنانچه فردوسی رسالت بزرگی در زندگی داشت که نیروی اصلی اش را برای تحقق آن صرف کرد و خواسته های خود را فدای هدفی بزرگ تر می کند که مایه پرافتخار جامعه و افراد آن حتی برای نسل بعد از آن شده است. نگارنده در این پژوهش سعی آن دارد تا با روش تطبیقی - تحلیلی یکی از مهمترین شاخصه های نظریه خودشکوفایی مزلو یعنی مساله مداری را در شخصیت فردوسی بسنجد و به مهم ترین مساله هایی که در اندیشه و شخصیت شاعر نمود دارد در معرض دید خواننده قرار دهد تا از این طریق نشان داده شود که فردوسی را می توان در قالب نظریه آبراهام مزلو، فردی خودشکوفای و در عین حال، مساله محور به شمار آورد و نتیجه ای که از این تطبیق به دست می آید، می تواند ادله محکمی جهت نشان دادن خودشکوفایی و برجستگی شخصیت فردوسی باشد.

کلمات کلیدی:

آبراهام مزلو، فردوسی، شاهنامه، خودشکوفای، مساله مداری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1352093>

